



ضمیمه‌چهلمین جشنواره فیلم فجر

# ایران جشنواره

**گفت و گو با کارگردان فیلم «بیرو»**

**که در افتتاحیه چهلمین جشنواره فیلم فجر**

**در ردیف نخست اکران است**

# درخشش در جبر جغرافیایی

درخشش در جبر جغرافیایی

درخشش در جبر جغرافیایی

درخشش در جبر جغرافیایی

درخشش در جبر جغرافیایی

درخشش در جبر جغرافیایی

درخشش در جبر جغرافیایی

درخشش در جبر جغرافیایی

**می شود ولی شما علاوه بر فیلم «بیرو» در فیلم‌های قبلی هم از آن زیاد استفاده کردید. استفاده از این افکت به نوعی جزو شیوه کارتان است؟**

اسلوموشن را دوست دارم. وقتی چیزی را در اسلوموشن می‌برم می‌خواهم توجه مخاطب را به جزئیات جلب کنم. در کل اسلوموشن، موقعیتی فانتزی است که در همه فیلم‌های من وجود دارد. موقعیتی که در سینما وجود دارد و شما می‌توانید زمان را کند کنید و در این آهستگی، جزئیات را نشان دهید.

**■ جذاب است ولی استفاده زیاد از آن، شاید این تصور را ایجاد کند که کارگردان به دنبال پوشاندن ضعف‌هاست.**

ما خیلی از فیلم‌های خوب دنیا در تاریخ سینما را می‌بینیم که در آنها اسلوموشن وجود دارد. در سینمای مستند هم می‌گویند اگر از زاوی استفاده کنید یعنی در کارگردانی ضعف دارید و نتوانستید فیلم درستی بسازید اما لزوماً اینطور نیست به عنوان مثال مستند خوبی براساس دستنوشته‌های ارنستو چه‌گوارا ساخته شده است و روی تصاویر لوکیشن‌هایی که تیم او در آنجا زیست کرده‌اند، دستنوشته‌ها خوانده می‌شود و می‌توان آنها را در آن فضا دید و حس کرد. بیان آخر فیلم بن‌بست، وقتی مری آیک در را می‌بندد و به آن تکیه می‌دهد، صدای شاملو پخش می‌شود؛ آی عشق / آی عشق / چهره آبی‌ات پیدا نیست». در آن لحظه کل فیلم برای آدم مرور می‌شود. شاید شاملو آن شعر را برای بن‌بست نگفته باشد ولی درست کار می‌کند. حالا اینکه اسلوموشن در فیلم‌های من کار می‌کند یا نه؟ نمی‌دانم. نیت من این است که کارکنند اما نباید ببینیم مخاطب چقدر به آن جزئیاتی که می‌خواهم نشان دهم می‌رسد و درگیر آنها شود.

**■ چند درصد از اتفاقات مرتبط با بیراوند و زندگی‌اش واقعی بود؟**

بیشتر از ۷۰ تا ۸۰ درصد داستان واقعی است و بقیه از قوه تخیل من است، هر چند که در واقعیت احتمالاً ۹۰ درصد از قوه تخیل من است چون من از دریچه دوربین، داستانی را روایت می‌کنم. خیلی تلاش کردم به اصل قصه‌ها، گفته‌ها و فضاهایی که در مصاحبه‌ها شنیده می‌شد وفادار باشم و پاژل‌هایی را که شکل می‌گرفت رعایت کنم.

**■ اصولاً در فیلم‌های ورزشی از اسلوموشن برای نشان دادن حرکات ورزشی کمک گرفته**



صالح) و «از فریاد تا ترور» (منصور تهرانی).

در این دوره در قالب سینمای بین‌الملل تعدادی فیلم از میان آثار سینمای آسیا و بلوک شرق به نمایش درآمد. همچنین بخش جنبی اولین دوره جشنواره نیز شامل: چشم‌انداز سینمای کوبا، سینمای ایتالیا از نئورئالیسم تا امروز، سرخ بوستان و سیاه بوستان در سینما، سینمای کودکان و نوجوانان، سینمای ایران پس از انقلاب اسلامی و نمایش‌های ویژه بود.



خبرنگار

دارم در فیلم‌هایم چیزی را به این دنیا بیاورم که امید دارد. دوست دارم مخاطب در پایان فیلم هم گریه کند و هم بخندد. شرایط زیستی گذشته با حال حاضر متفاوت بوده است، می‌توان بیراوند را به او نشان داد. مساله دیگر مسئولیت اجتماعی است که بیراوند نسبت به خود آن را پذیرفته است اما ما چقدر این مسئولیت را پذیرفته‌ایم؟ ما که مدام عقب‌افتادگی‌هایمان را تقصیر دیگران، دولت، اجتماع و خاورمیانه‌ای بودن می‌اندازیم. در همین جبر جغرافیایی این آدم به چنین موقعیت‌هایی می‌رسد و با تلاش و پشتکار آدم‌ها را مجاب می‌کند تا او رابینند.

**■ پس شما تصمیم داشتید فیلمی درباره مسئولیت اجتماعی بسازید که سراغ بیراوند رفتید.**
مسئولیت اجتماعی، قهرمان و زندگی قهرمان‌ها برایم خیلی مهم است و دوست دارم درباره آنها فیلم بسازم چون به خودم چیزی اضافه می‌کند. بیراوند در میان گزینه‌های روزی می‌زی - که از پیشنهادهای روزبه پیروز بود- از همه جذاب‌تر و درخشان‌تر بود با توجه به اینکه هم عصر خودمان است و دیگر نمی‌توانیم موقعیت او را گردن شرایط گذشته بیندازیم. «فیلم «بیرو»، در قرعه‌کشی جدول نمایش فیلم‌های بخش سودای سیرمغ چهلمین جشنواره فیلم فجر در سینمای رسانه در ردیف نخست نمایش قرار گرفت و امروز (۱۱ بهمن) نخستین اکرانش را خواهد داشت.

من و شماس‌ت و از نسلی که در ۰۳، ۰۴، ۰۵ سال پیش یا حتی بیشتر زندگی کرده، نیست و در همین عصر سختی‌ها را تحمل می‌کند. این موقعیت، فرصت مناسبی بود تا سراغ آدمی برویم که همین حالا متحمل سختی‌ها شده و درباره او صحبت کنیم. بارها درباره شخصیت‌هایی فیلم ساخته شده است که در دوره‌های قبل زندگی کرده‌اند. مخاطبان در مواجهه با آنها می‌گویند که «در آن زمان شرایط ایجاد کرده چنین یا چنان باشد و این آدم موفق شود ولی حالا اگر پول و پارتی نداشته باشید این اتفاق برایتان نمی‌افتد». بیراوند در همین موقعیت، بدون پول و پارتی به بیرون‌تند تبدیل شد. او بدون آب، برق، گاز، تلفن و کامپیوتر زندگی کرده و هیچ کدام از وسایلی را که ما در زندگی مدرن تجربه



خبرنگار

آخرین فیلم کارنامه مرتضی‌علی عباس میرزایی، فیلمساز جوانی که پیش از این دو فیلم سینمایی «انزوا» و «خون خدا» را ساخته است، درامی ورزشی درباره علیرضا بیراوند است. فوتبالیستی که کودکی و نوجوانی را در محرومیت گذراند، در فوتبال رشد کرد، برای رسیدن به هدف خود به تهران آمد و در برترین تیم‌های ورزشی بازی کرد. با وجود تمام موفقیت‌هایی که کسب کرده بود، مسابقات جام جهانی ۲۰۱۸ تبدیل به نقطه عطفی در زندگی‌اش شد و ضربه پانلتی کریستیانوروتالدو، مهاجم تیم ملی برتغال را مهار کرد. پس از آن بسیاری رسانه‌ها بیشتر سراغ کودکی و نوجوانی بیراوند رفتند و زندگی‌اش سوزه ساخت فیلم شد. عباس میرزایی چه در تجربیات گذشته فیلمسازی و چه در این فیلم سعی کرده نگاه و تکنیک شخصی‌اش را دنبال کند و سینمای خود را بسازد. او برای فیلم «انزوا» جایزه بهترین کارگردانی از جشنواره سالنتو ایتالیا را دریافت کرد و برای خون خدا اگرچه منتقدانی داشت، موفق به کسب جایزه در بخش تجلی اراده ملی سی و هفتمین دوره جشنواره فیلم فجر شد. پس از فیلم‌های خط پایان، آفساید، دیوار مرگ و عرق سرد که هر کدام نگاه متفاوت یا منتقدانه‌ای به وضع موجود در ورزش دارند و البته غلامرضا تختی که زندگی ورزشی جهان پهلوان را به تصویر کشیده است این بار عباس میرزایی با پرداختن به زندگی ورزشکاری موفق و نمایش فقر و کمبودها و روابط ناسالم ندای ورزش، تلاش کرده است تا بگوید: پایان شب سیه سفید است، او می‌گوید: «مسئولیت اجتماعی، قهرمان و زندگی قهرمان‌ها برایم خیلی مهم است و دوست دارم درباره آنها فیلم بسازم چون به خودم چیزی اضافه می‌کند. بیراوند در میان گزینه‌های روزی می‌زی - که از پیشنهادهای روزبه پیروز بود- از همه جذاب‌تر و درخشان‌تر بود با توجه به اینکه هم عصر خودمان است و دیگر نمی‌توانیم موقعیت او را گردن شرایط گذشته بیندازیم. «فیلم «بیرو»، در قرعه‌کشی جدول نمایش فیلم‌های بخش سودای سیرمغ چهلمین جشنواره فیلم فجر در سینمای رسانه در ردیف نخست نمایش قرار گرفت و امروز (۱۱ بهمن) نخستین اکرانش را خواهد داشت.

**■ بیشتر فیلم‌هایی که در جهان به صورت زندگینامه‌ای کار شده، تا سنین میانسالی قهرمان داستان را به تصویر کشیده است و حتی بسیاری از آنها پس از فوت افراد ساخته شده‌اند. شاید انتظار مخاطب هم از پرتره، دیدن ماجرای زندگی فردی باشد که با به سن گذاشته و پس از طی مسیری طولانی، پختگی لازم را به دست آورده باشد ولی درباره بیراوند اینطور نیست و احتمالاً نخستین واکنش مخاطب با فهمیدن موضوع فیلم این است که «مگر او چند ساله است؟» این کاراکتر چه جذابیت‌هایی برای شما داشت که برای ساختن زندگینامه سراغش رفتید؟**

چند نکته مهم مثل این وجود دارد که البته جواب دارد. یک اینکه بیراوند حتی و حاضر، زنده و در حال بازی است. او هم عصر



ایلیا داوودی : تا

پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، عمده جشنواره‌های فیلم در ایران تحت عنوان رویداد جشنواره بین‌المللی

فیلم تهران، با حمایت دفتر مخصوص فرح پهلوی که تمرکز همه جانبه و وسیع بر اقسام و گونه‌های مختلف هنری داشت، برگزار می‌شد. از پیروزی انقلاب اسلامی

در بهمن ماه ۱۳۵۷ برگزاری یک رویداد سینمایی در سطح ملی و بین‌المللی به حاشیه رفت تا سرانجام ۴ سال بعد از آن، در بهمن ماه ۱۳۶۱ و همزمان با شروع جشن‌های پیروزی انقلاب اسلامی در ایام دهه فجر، «اولین دوره جشنواره فیلم فجر» برگزار شد. اولین دوره این جشنواره با عنوان نخستین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر از ۱۲ تا ۲۲ ت بهمن ماه سال ۱۳۶۱ به دبیری «حسین وخشوری» برگزار شد. برگزاری این دوره در حالی انجام می‌شد

که کشور در سومین سال جنگ تحمیلی قرار داشت. دوره اول این جشنواره دارای دو بخش اصلی سینمای آماتور و سینمای حرفه‌ای بود که سینمای حرفه‌ای به صورت غیرقابتی برگزار شد. فیلم‌های حاضر در بخش آماتور که با دیپلم افتخار مورد تقدیر قرار گرفتند که شامل: «پچه‌ها» دیار صفا»، «علمدار»، «خرمشهر ۶۱»، «با هم برای ایثار»، «باز زهر»، «کدام مکتب است این»، «خرمشهر شهر عشق، شهر خون»، «امریکا نابود است» و «بر بال